

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم- پاییز ۱۴۰۲- شماره چهاردهم- ص ۲۲-۵۳

نقش بانوان عالمه در شکل گیری جامعه ایمانی؛ با محوریت بانو مجتهده امین

اعظم اسدالهی^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

چکیده

یکی از مشکلات پیش روی بانوان در همه اعصار هجمه دشمنان علیه هویت زنان است. در عصر حاضر با رواج افکار فمینیستی خطر فراموشی هویت زنان در جامعه وجود دارد. از این رو، بررسی هویت زن مسلمان و تأثیر ایشان در تحقق جامعه ایمانی امری ضروری است. بانوان عالمه جایگاه ویژه‌ای در احیای تمدن نوین دینی دارند. قرآن جامعه ایمانی و جامعه کفر را به عنوان بارزترین الگوی جوامع بشری معرفی می‌کند، که در هر دو گروه، زنانی همچون آسیه و مریم به عنوان نمونه جامعه ایمانی و همسران لوط و نوح به عنوان الگوی کفر معرفی شده‌اند، که از میان این دو خداوند به برپایی جامعه ایمانی تأکید نموده است. از این رو، معرفی شخصیت‌های برجسته جوامع ایمانی و نقش ایشان در شکل‌گیری، گسترش و پایداری آن گامی ضروری برای احیای ارزش‌های اسلامی است. یکی از این شخصیت‌های برجسته، بانو مجتهده امین است که با فعالیت‌های مختلفی از قبیل تألیف کتب متعدد در زمینه اخلاق، عرفان، تفسیر و غیره. تأسیس مدارس علمیه، تعلیم و تربیت حدود هزار شاگرد و مبارزات سیاسی علیه طاغوت زمانه گام مؤثری در احیای اصول اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی جامعه ایمانی برداشته است.

واژگان کلیدی: بانوان عالمه، بانو مجتهده امین، زنان جامعه ایمانی، جایگاه دختران.

۱. سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (س) قم، معاون پژوهش مؤسسه آموزش عالی حوزوی کوثر قزوین، استان

قزوین، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، Asadollahi.a.a@chmail.ir

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، دارای مدرک سطح چهار (دکتری) رشته «فقه و اصول» و

مدرک دکتری رشته «قرآن و علوم» گرایش «قرآن و حقوق» از دانشگاه المصطفی (ص)، kariminia@quran.ac.ir

مقدمه

تمدن اسلامی در بین سایر تمدن‌های بزرگ جهان دارای ارزش و جایگاه بسیار والایی است. از ویژگی‌های این تمدن، اعطای هویت به بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. یکی از مشکلات پیش روی بانوان در همه اعصار هجمه دشمنان علیه هویت ایشان است. در عصر حاضر با رواج افکار فمینیستی خطر فراموشی هویت زنان در جامعه وجود دارد. از این رو، بررسی هویت زن مسلمان و تأثیر ایشان در جامعه امری ضروری است. از طرفی با توجه به رابطه مستقیم علم و ایمان مطالعه زندگانی بانوان عالمه تأثیر بسزایی در گسترش علم در جامعه و سوق دادن بانوان به این سمت و سو دارد؛ چراکه بانوان عالمه جایگاه ویژه‌ای در احیای تمدن نوین دینی دارند.

این جایگاه به اندازه‌ای است که زنان می‌توانند در مسائل دینی همچون مردان تحصیل نموده، به مرحله اجتهاد برسند و مسائل دینی خود را بدون واسطه مراجع تقلید درک نمایند و از این طریق تأثیر بسزایی در فرهنگ جامعه ایفا نمایند. بنابر آیه نَفر که می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه (۹): ۱۲۲)؛

سزاوار نیست که همه‌ی مؤمنان (به جهاد) رهسپار شوند، پس چرا از هر گروهی از ایشان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند و هنگامی که به سوی قوم خویش باز گشتند، آنان را بیم دهند تا شاید آنان (از گناه و طغیان) حذر کنند».

بنای عقلا بر این نهاده شده است که در هر امری، جاهل باید به عالم رجوع کند و با توجه به اطلاق آیه، این رجوع اختصاص به مردان ندارد، بلکه اگر عالم، زن هم باشد، باز مورد مراجعه جامعه قرار می‌گیرد. جامعه مجموعه‌ای از انسان‌هاست که بر اساس برخی از مشترکات از قبیل فرهنگ، دین، مذهب و ... با هم زندگی می‌کنند. قرآن دو نمونه جامعه ایمانی:

«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرِعَوْنَ ... وَ مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا، (تحريم (۶۶): ۱۲-۱۱)؛

و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به همسر فرعون مثل زده است؛ آن گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش؛

و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامن او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود».

و جامعه کفر «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ ... ، (همان: ۱۰)؛
خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال زده است...».

را به عنوان نمونه‌های بارز از جوامع بشری معرفی می‌کند، نکته مهم این است که در هر دو گروه زنان به عنوان نمونه جامعه ایمانی و کفر معرفی شده‌اند که بیانگر جایگاه عظیم بانوان در شکل‌گیری این جوامع است. با توجه به قول خداوند متعال در مورد حضرت مریم علیها السلام که می‌فرماید:

«فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا، (آل عمران ۳: ۳۷)؛

پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند».

مشخص است که ایشان مورد پرورش خاص خداوند بودند و از اطلاق آیه استنباط می‌شود که یکی از ابعاد این پرورش بعد علمی است و گویا آیه دلالت بر علم الهی حضرت و عالمه بودن ایشان دارد.

با تفحص در منابع متعدد، مشخص شد که از همان قرون اولیه تشکیل جامعه اسلامی زنان عالمه‌ای پا به عرصه وجود گذاشته، در ارتقا و پیشرفت جامعه نقش مهمی ایفا کردند. افرادی همچون حضرت زهرا علیها السلام، ام سلمه (همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، اسماء بنت عمیس (همسر امام علی علیه السلام)، فاطمه (همسر امام حسین علیه السلام)، ام احمد (دختر امام کاظم علیه السلام)، کلثوم بنت سلیم، ام علی و فاطمه (همسر و دختر شهید اول)، آمنه (دختر مجلسی اول)، دختر صدرالدین عاملی، همسر شیخ بهائی، دختر شیخ علی منشار و در عصر حاضر بانوامین و علویه همایونی از جمله زنانی هستند که با تألیف کتبی همچون مصحف نور فاطمه زهرا علیها السلام و روایت احادیث از معصومین علیهم السلام و تدوین کتب دیگر در عرصه‌های مختلف اجتماعی، دینی، سیاسی و فرهنگی ایفای نقش کردند.

منابع متعددی در رابطه با زنان عالمه، آثار و زندگی ایشان منتشر شده است که الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ تهرانی؛ اعیان الشیعه، محسن امین؛ ریاض العلماء، علی بن حسین بن سلیمان بحرانی؛ أمل الأمل، شیخ حر عاملی از این جمله هستند که به صورت کلی به معرفی علما پرداخته‌اند. در مورد زندگی نامه و آثار بانو امین به طور خاص نیز کتبی به رشته تحریر درآمده است که عبارتند از مشاهیر زنان اصفهان اثر اداره ارشاد اصفهان (۱۳۷۵)؛ کوکب دری اثر مرجان عمو خلیلی (۱۳۷۹)؛ زنان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی اثر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (۱۳۸۲)؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان اثر مصلح الدین مهدوی (۱۳۸۴)؛ زندگانی بانوی ایرانی اثر زینت سادات مایونی (۱۳۸۸).

مقالاتی نیز در این زمینه مشاهده می‌شود که نظری بر شخصیت و زندگی بانو امین (۱۳۷۲)؛ بانوی اصفهانی اثر محمد حسین ریاحی (۱۳۷۶)؛ زن در تفسیر مخزن العرفان اثر مهدی مهریزی (۱۳۸۵)؛ سیری در سیره تربیتی و شخصیت اخلاقی و علمی بانو امین اثر محمد حسین ریاحی (۱۳۸۶) از این جمله است. ولی در میان آثار نگارش یافته اثری در مورد نقش بانوان عالمه در شکل گیری و گسترش جامعه ایمانی یافت نشد. قرآن کریم شاخصه‌ها و اصول حاکم بر هر کدام از جوامع کفر و ایمان را بیان می‌کند. اصول اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی از جمله اصول حاکم بر جامعه ایمانی است. مؤمنان و اعضای جامعه نقش مهمی در استخراج این اصول و پیاده کردن آن در جامعه ایفا می‌کنند که همین امر زمینه شکل گیری جامعه ایمانی را فراهم می‌آورد. تحقیق حاضر با رویکرد قرآنی به بیان نقش بانوان در شکل گیری جامعه ایمانی و برقراری اصول اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی آن با محوریت نقش بانو امین می‌پردازد.

نقش بانوان عالمه در گسترش اصول اعتقادی جامعه ایمانی

جامعه ایمانی جامعه‌ای است که در آن شریعت اجرا شده، طریقت مؤمنان در مسیر سعادت تابع شریعت آن است. یکی از خطراتی که سعادت انسان را تهدید می‌کند، جدا کردن شریعت از طریقت است. بانو امین با تأکید به اهمیت مسأله چنین می‌فرماید:

«همانا به شناخت شهودی و نورانیت قلب برای من آشکار گردید که راه سلوک و سیر به سوی خدا منحصر در متابعت و پیروی از دین اسلام و پیروی از ائمه اطهار و تمسک به عبادات اسلام تربیت شدن به آداب ایمان است.» (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱).

یکی از شاخصه‌های جامعه ایمانی، گسترش ایمان به اصول اعتقادی و پایبندی به فروع دین در جامعه است. بانو امین با در نظر گرفتن اهمیت مسأله در این باره می‌گوید:

«فساد اخلاقی که در بین مردم شیوع نموده، تمامی آن در اثر ضعف ایمان و فقدان عقیده، و عدم اطمینان قلب به مبدء و معاد است. پس اول قدم به سوی خوشبختی تحقیق در اصول دین است.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۴)

از اصول مهم دین اسلام، توحید و نبوت است. در جامعه ایمانی، انسان‌ها به توحید گرایش دارند خود را در مقابل حق تعالی تسلیم می‌دانند؛

«وَلَوْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۶)؛
(ای مسلمانان!) بگویید: ما به خدا ایمان آورده‌ایم و به آنچه بر ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (که پیامبرانی از نوادگان یعقوبند) و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از طرف پروردگارشان نازل شده است، (ایمان آورده‌ایم. و) ما بین هیچ یک از آنها جدایی قائل نیستیم (و میان آنان فرق نمی‌گذاریم و) در برابر خداوند تسلیم هستیم».

این ایمان ناشی از حب شدید الهی در قلوب مؤمنان است:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (همان: ۱۶۵)؛

و آنها را همچون دوست داشتن خدا، دوست می‌دارند».

در این جامعه مؤمنان هر حقی را از جانب خداوند می‌دانند:

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ» (همان: ۲۶)؛

پس آنهایی که ایمان دارند می‌دانند که آن (مثال) از طرف پروردگارشان به حق است».

و در هر حال خدا و رسول را تصدیق می‌کنند:

«وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا

و تَسْلِيمًا» (احزاب: ۳۳: ۲۲)؛

و همین که مؤمنان دسته‌ها (ی لشکر دشمن) را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما

وعده داده، و خدا و رسولش راست گفتند. و (دیدن لشکر مهاجم) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود».

یکی از ویژگی‌های بارز بانو امین اعتقاد به این مسأله است که هیچ چیز از دایره اراده الهی خارج نیست و در کلاس خود مدام این مسأله را تأکید می‌کردند که: «لَا مُؤَثَّرَ فِي الْوَجُودِ إِلَّا اللَّهُ». (طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰) وی نه تنها خود قائل به این امر بود که شاگردان خود را نیز به این امر رهنمون می‌ساخت.

در جامعه ایمانی تنها ولایت الهی حاکم است:

«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، (بقره (۲): ۲۵۷)؛

خداوند دوست و سرپرست مؤمنان است، آنها را از تاریکی‌ها (ی گوناگون) بیرون و به سوی نور می‌برد».

و مؤمنان از ولایت غیر خدا دوری می‌کنند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ، (ممتحنه (۶۰): ۱)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید».

و تنها از خدا می‌ترسند:

«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، (آل عمران (۳): ۱۷۵)؛

این شیطان است که دوستان خویش را (از قدرت کفار) می‌ترساند، پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و فقط از (مخالفت) من بترسید».

این جامعه همان جامعه سلامتی است که اعضای آن از شیطان پیروی نمی‌کنند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ، (بقره (۲): ۲۰۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآئید (و تسلیم مطلق خداوند شوید) و گامهای شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست».

البته تشخیص و تمییز الهامات فرشتگان و القائنات شیطان بسیار مهم است که مؤمنان باید مهارت این تشخیص را داشته باشند. بانو امین یکی از امور بایسته در سیر و سلوک عرفانی هر عارفی را تمییز بین الهامات فرشتگان و القائنات شیطان خوانده در این مورد می‌گوید:

«از جمله اموری که بواسطه آن سالکین می‌توانند حال خویش را آزمایش کنند، عبارت است از اینکه علوم فکری و معارف یقینی نظری را تحصیل کنند تا اینکه این علوم نسبت به معارف ذوقی و شهودی، همانند علم آلی منطقی نسبت به علوم نظری برای ایشان گردد. پس هنگامی که این ملکه برای سالک حاصل گردید، پس اگر بواسطه

وسوسه شیطان در صحت بعضی از معارفش دچار تحیر گردید، ناگزیر است از اینکه معارفش را بر قوانین برهانی و علوم نظری عرضه نماید. اگر مطابق بود، می فهمد که معارف ذوقی او حق است و اگر برخلاف قوانین برهانی بود، می فهمد که آن خطورات از القائنات شیطانی است.» (امین، ۱۳۸۹، نفعات الرحمانیه، ص ۷۱-۷۳)

یکی دیگر از اصول دین ایمان به معاد و قیامت است. مؤمنان افرادی هستند که به غیب ایمان می آورند و یکی از مصادیق غیب معاد و روز قیامت است:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ، (بقره (۲)، آیه ۳):

کسانی که به غیب ایمان دارند».

و تمام عمر آخرت را پیش رو قرار داده و برای آن تلاش می کنند:

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا، (اسراء (۱۷): ۱۹)؛

و هر کس خواهان آخرت باشد و برای آن تلاش شایسته و در خور کند، و مؤمن باشد، پس تلاش آنان سپاس گزارده می شود».

بانو امین در آثار خود به اصول عقائد امامیه توجه داشته، سعی کرده در هر فرصتی به بیان مطالبی در این راستا بپردازد. در کتاب "روش خوشبختی" ایشان با بیان ارکان خوشبختی، رکن اول را اثبات صانع، رکن دوم نبوت و رکن سوم را معاد می خواند. وی با اشاره به اینکه نگهبان درونی انسان، ایمان است، در این مورد می فرماید:

«ایمان یک عامل قوی و یک پلیس باطنی است که انسان را از کارهای زشت، که منافعی با تقوا و عفت است، باز می دارد. کسی که دین و ایمان ندارد، به هیچ وجه نباید از وی منتظر خیر و خوبی باشیم و هرگز سعادت و خوشبختی نصیب او نخواهد شد.... عقل بشر بدون چراغ ایمان راه سعادت خود را نمی شناسد. عقل اگر به همراهی ایمان به سوی سعادت حرکت نمود البته کامیاب خواهد شد. خلاصه: اول قدم ما به سوی سعادت این است که دارای ایمان به مبدأ و معاد باشیم.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۵-۶)

در کتاب "سیر و سلوک" که در راستای تبیین مراحل سیر و سلوک عرفانی نگاشته شده نیز به فراخور بحث، مطالبی در رابطه با مراتب توحید و اسمای حسنی الهی دیده می شود. کتاب "معاد یا آخرین سیر بشر" نیز به طرح مباحثی در زمینه معاد می پردازد. بانو امین در کتاب معاد هدف خود را از تدوین این کتاب اینگونه بیان می کند:

«غرض از نگارش کلمات، این است که شما را گوشزد کنم و متذکر گردانم برای انسان، غیر از این نشئه دنیوی، نشئات دیگری در پیش است که ناچار بایستی در سیر تکاملی از تمام نشئات و عوالم عبور نماید و سرانجام به عالمی برسد که فوق آن عالمی نیست و آن را معاد و قیامت گویند.» (همان، ۱۳۸۷، معاد یا آخرین سیر بشر، ص ۴)

این عالمه وارسته با توجه به حساسیت بحث اعتقادات، در رابطه با شیوه نهادینه کردن اصول اعتقادات در جامعه چنین می گوید:

«باید از همان کودکی اصول و عقائد و کلمات توحید را به طفل بیاموزند و احکام شرعی را به وی تلقین کنند و اگر در وی خلق بدی دیده شود، با کمال جدیت او را باز دارند که در وی رسوخ ننماید و ملکه نفسانی او نشود.» (همان، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۶۸-۷۲)

یکی دیگر از شاخصه های جامعه ایمانی اجرای فروع دین در سطح جامعه و تعظیم شعائر الهی است. بانو امین در مورد جایگاه فروع دین در نظام اسلامی می گوید:

«من در احکام فرعی و نوامیس شرعی دو فایده می بینم: یکی در باطن هر کدام از احکام مصلحتی نهفته است که آن مصلحت را جز خدا نمی داند و کسی به آن مصلحت دست نمی یابد، مگر بواسطه عمل به آن همراه با نیت خالص؛ دومین فایده عبارت است از اینکه رسیدن به مرتبه عبودیت، جز به اطاعت خداوند حاصل نمی شود.» (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱)

از مهم ترین فروع عبادتی که در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته و به مؤمنان سفارش شده، اقامه نماز است:

«وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ، (بقره ۲:۳)؛

و نماز را به پای می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.»

نماز عبادتی روحانی است که بانو امین در کتاب "روش خوشبختی" آن را اساس سلوک و سعادت می داند و در مورد وظایف اخلاقی انسان در این زمینه می نویسد:

«چون شرط قبولی عبادات، تقوا و اجتناب از محرّمات است؛ چنانچه در قرآن فرموده «انما يتقبل الله من المتقين، (مائده ۵:۲۷)؛ پس نمازگزار بایستی باطن و سریره خود را از تمام اخلاق و ملکات ناشایست پاک گرداند و قلب خود را از فساد اخلاقی مثل کبر، حسد، کینه، تالیس و ... خالی نماید؛ زیرا منشأ تمام اعمال زشت مثل ظلم، تعدی، عیاشی و هزاران گناه دیگر، همین اخلاق ناشایستی است که ناشی از قوای شهویه و غضبیه است.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۵۳ و ۵۵).

روزه از دیگر فروعاتی است که در جامعه ایمانی به آن ارزش داده شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، (بقره (۲): ۱۸۳)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر گردید، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند

مقرر شده بود، باشد که پرهیزگار شوید».

بانو امین که در مقام عمل ملتزم به رعایت موازین شرع بود، در مورد آیه چنین می‌گوید:

«از این آیه چنین استفاده می‌شود که تکلیف روزه اختصاص به مؤمنین دارد و شامل تمامی افراد بشر نمی‌شود، چنانچه بعضی از مفسرین گفته‌اند؛ روزه سه درجه و سه مرتبه دارد: روزه عوام، روزه خاص، روزه خاص الخاص. روزه عوام فقط امساک نمودن در طول نهار با قصد معین است و خودداری نمودن از آنچه در شرع مطهر منع نموده و آن را مبطل روزه قرار داده است. روزه خواص، امساک نمودن از همان امور معین است به اضافه از هر چه از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها و غیر آن که عمل آن منافعی با تقوی است، و روزه خاص الخاص، امساک مما سوی الله است؛ یعنی خودداری نمودن از افکار دنیوی و قلب خود را بازداشتن از هر چه غیر خداست بالکلیه از امور دنیا، مگر اینکه تهیه و مقدمه برای انجام دادن امر دین و توشه آخرت باشد. روزه زبان، نگاه‌داری آن است از دروغ، فحش، تهمت، غیبت و امثال این‌ها؛ روزه چشم خودداری نمودن از نظر ناروا کردن بغیر محارم و به آنچه ممنوع است نظر نمودن به آن؛ روزه گوش، خودداری نمودن از استماع آنچه نهی شده از غنا و غیبت و امثال آن و روزه نفس، عبارت از ترک آرزو و آمال دنیوی و ترک شهوات نفسانی است؛ روزه قلب، تخلیه آن است از محبت دنیا و زینت آن روزه روح تخلیه آن است از آرزوی نعمت‌های اخروی؛ روزه سر قطع نظر نمودن بغیر خدا یعنی باز داشتن روح و روان از آنچه غیر اوست» (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، ص: ۲۰۳)

هجرت و جهاد از دیگر فروعات دین است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ،

(بقره (۲): ۲۱۸)؛

همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که مهاجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها به رحمت

پروردگار امیدوار هستند و خدا آمرزنده و مهربان است».

بانوی ایرانی یکی از مؤمنانی است که در راستای تحقق جامعه ایمانی مجاهده کرده، با مال و جان از

ساحت دین حمایت کرده است:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه (۹): ۲۰)؛

کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جانهای خویش جهاد کردند، بزرگترین درجه را نزد خداوند دارند و اینان همان رستگارانند.

بانو امین در سال ۱۳۳۴ ش. با سرمایه خود، مکتبی به نام فاطمه علیها السلام و نیز دبیرستان دخترانه امین را تأسیس کرد و برای بسیاری از دخترانی که بواسطه جو حاکم بر آن ایام و با توجه به کشف حجاب و تدریس دبیران مرد در دبیرستانهای دخترانه از نعمت تحصیل منع شده بودند، زمینه ادامه تحصیل را فراهم آورد. (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹).

بانو امین در راستای شکل گیری جامعه ایمانی در مقابل خیانت حاکمان زمانه به دین اسلام ساکت ننشسته، بلکه بنابر آیه:

«يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت (۲۹): ۵۶)؛

ای بندگان با ایمان من! همانا زمین من وسیع است، پس تنها مرا پرستید.

به نشان اعتراض به قم مهاجرت نمود. در سال ۱۳۱۷ ش. پایه‌های اصلی کشف حجاب توسط دولت رضاخان نهاده شد. در این سال طبق قانون، تمام اتباع ایرانی مکلف به استفاده از لباس متحد الشکل، کلاه پهلوی و نیم تنه بافته شده بودند. حجاب زنان از دیر زمان هدف تیر بی‌دین‌ها قرار گرفته بود و در روز هفدهم دی ماه مسأله کشف حجاب در ایران مطرح شد. پس از این تاریخ مجالس متعددی از سوی دولت برگزار شد و از اقشار مختلف دعوت می‌شد تا بدون حجاب در این مجالس شرکت کنند. یکی از این افراد مرحوم معین التجار همسر بانو امین بود. در مقابل این دعوت بانو امین با خروج از اصفهان و اقامت چهارماهه در قم مخالفت خود را اعلام کرد. (طیبی، ۱۳۸۰، ص ۴۵-۴۶).

از ویژگی‌های دیگر جامعه ایمانی پابندی به سنت پرداخت زکات است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره (۲): ۲۷۷)؛

همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند و نماز برپا داشته و زکات پرداخته‌اند، پاداششان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

بانو امین در راستای برپایی این سنت گرانقدر خدمات شایانی انجام دادند. وی در طول عمر پر بار خویش با تاسی به فرمایش امام محمد باقر علیه السلام که فرمودند: «زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۰۱) با تأسیس مکتب فاطمه علیها السلام و برگزاری کلاس های مختلف و پرورش شاگردان بیشماری که تعداد آن را حدود ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر می دانند، زکات علم خویش را پرداخت.

تولی و تبری از شاخصه های اساسی جامعه ایمانی است. در سوره آل عمران قول مؤمنان مبنی بر تبعیت از رسول آمده که می گویند:

«رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، (آل عمران (۳): ۵۳)؛

پروردگارا! به آنچه نازل کرده ای ایمان آورده ایم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس».

از طرفی مؤمنان با ایمان به آیات الهی، بنا به فرمایش قرآن به آنچه پایدارتر است هدایت می شوند:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، (اسراء (۱۷): ۹)؛

همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می کند».

از نظر امام صادق علیه السلام عبارت "هی اقوم" اشاره به هدایت به امام دارد. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵،

ج ۳، ص ۱۴۰) بنابراین مؤمنان پس از ایمان به قرآن به اطاعت از امام هدایت می شوند و طبق آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، (نساء (۴): ۵۹)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود (جانشینان پیامبر)

اطاعت کنید».

از اولی الامر معصومین علیهم السلام پیروی می کنند و اگر اینچنین نباشد، مصداق بارز کفار خواهند

شد:

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ، (آل عمران (۳): ۳۲)؛

بگو: خدا و رسول را اطاعت کنید. پس اگر سرپیچی کردند، (بدانید که) همانا خداوند کافران را دوست

نمی دارد».

این بانوی فرهیخته با تدوین کتابی به نام "مخزن اللثالی فی مناقب مولی الموالی" در مناقب مولی الموحدين علی علیه السلام به ترویج فرهنگ ولایت مداری در جامعه پرداخت. وی در کتاب خود چنین می-نگارد:

«پس از یاس و ناامیدی در دریای فکر فرو رفتیم. ناگاه این حدیث را متذکر گشتم که "ما لا یدرک کله لا یتدرک کله" یعنی نباید انسان چیزی را که برایش مقدور است ترک کند به خاطر چیزی که مقدور نیست. پس گستاخانه متعرض این شدم تا شمه‌ای از فضائل آن حضرت را بیان نمایم شاید بتوانم خود را از دوستان و موالیان حضرتش محسوب نمایم» (امین، ۱۳۷۱، مخزن اللثالی فی مولی الموالی؛ ص ۳-۴).

البته جامعه ایمانی تنها با پذیرش قلبی ولایت معصوم علیه السلام محقق نخواهد شد و به مؤلفه دیگری با نام تبری هم محتاج است. در چنین جامعه‌ای مؤمنان از کفار و دشمنان خدا و رسول اعراض کرده، ولایت ایشان را نمی‌پذیرند:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ، (آل عمران (۳): ۲۸)؛

نباید اهل ایمان، بجای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود برگزینند و هر کس چنین کند نزد خدا هیچ ارزشی ندارد».

زیرا می‌دانند که اطاعت از کفار آن‌ها را از عقیده خویش باز می‌دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ، (همان: ۱۴۹)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کفر ورزیدند اطاعت کنید، شما را به آئین گذشتگان کافرتان بر می‌گردانند، پس به خسارت و زیانکاری بازخواهید گشت».

تبری بانوی ایرانی از کفر زمانه و ایستادگی ایشان در مقابل رضا خان مصداق بارز تعهد ایشان به فروع دین در زمینه تولی و تبری است.

امر به معروف و نهی از منکر نشانه مسئولیت پذیری افراد جامعه ایمانی در قبال یکدیگر است. بنا به فرمایش قرآن در جامعه ایمانی همه انسان‌ها با یکدیگر برادرند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، (حُجْرَات (۴۹): ۱۰)؛

همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند».

بنابراین یکدیگر را به نیکی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها نهی می‌کنند:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، (توبه (۹): ۷۱)؛

مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات

و بدی‌ها (منکرات) نهی می‌کنند».

این درحالی است که خود در انجام خیرات شتاب می‌کنند و بیش از دیگران به انجام آن مشتاقند:

«يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ، (آل عمران (۳): ۱۱۴)؛

آنان به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر شتاب

می‌ورزند».

یکی از مصادیق بارز آیه بانو امین است. این بانوی بزرگوار نه تنها در دوره حیات، بلکه در آخرت نیز

دغدغه و نگرانی سعادت هم‌نوعان خود را داشت. این دغدغه، وی را برآن داشت که در وصیت نامه خود نیز از

یاد خواهران و برادران دینی غافل نباشد. وصیت نامه این بانوی فرهیخته مملو از خطاب‌هایی به تمام خواهران

و برادران دینی است، که ناشی از احساس مسئولیت وی در قبال هم‌نوعان است. ایشان تا آخر عمر علاوه بر

تهذیب نفس خویش، دیگران را نیز به تخلق به آداب دینی دعوت می‌کردند. (ر.ک: باقری بید هندی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹

— ۱۲۳)

نقش بانوان عالمه در گسترش اصول اخلاقی جامعه ایمانی

رعایت اصول اخلاقی از مهم‌ترین وظایف مؤمنان در راستای گسترش جامعه ایمانی است. خلق، عادت

و ملکه‌ای است که در نفس انسان رسوخ می‌کند و داعی افعال وی می‌گردد، بدون آنکه محتاج به فکر و رویه

باشد. (امین، ۱۳۸۵، اخلاق، ص ۳۵) علمای اخلاق علم نافع را شناسایی صفات نیکو و امتیاز دادن بین اوصاف و

اخلاق نیک انسانی و بین صفات سبعی و بهیمی می‌دانند؛ زیرا که منشأ هر فضیلت و کمالی تهذیب اخلاق

است. (همان، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۲۴۵)

انسان از دو بعد روح و جسم تشکیل شده است، به طوری که جسم، مرکبی برای تعالی روح به

حساب می‌آید. در جامعه ایمانی افراد به مصداق آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ، (مائده (۵): ۱۰۵)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شما باد (حفظ) خودتان».

به پرورش نفس و روح می‌پردازند و از فرو رفتن در مادیات پرهیز دارند. بانو امین در این باره می‌-

گوید:

«اینکه می‌بینیم بسیاری از مردم در مادیات فرو رفته‌اند، چون تمام توجهاتشان به مادیات است و دنبال حظوظ نفسانی را گرفته‌اند و از امور روحانی روی گردانیده‌اند، این است که در مرحله مادیت و جسمیت مانده‌اند.» (امین، ۱۳۸۵، اخلاق و راه سعادت، ص ۷).

بانوی ایرانی در راستای دستیابی به کمالات معنوی با توجه به آیه:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا، (اسراء: ۱۷): (۷۹)؛

و پاسی از شب را بیدار باش و تهجد و عبادت کن، و این وظیفه‌ای افزون برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقامی محمود و پسندیده برانگیزد».

برای رسیدن به مقام محمود شبانه روز به تهجد و عبادت می‌پرداختند. ایشان علاوه بر خودسازی، در راستای گسترش اخلاق در جامعه خدمات ارزنده‌ای ارائه کردند. نوع برخورد با شاگردان و افرادی که با وی معاشرت داشتند، از یک‌سو و تدوین کتبی در این زمینه از سوی دیگر، اهتمام این بانو را به مسائل اخلاقی روشن می‌سازد.

یکی از آثار به جا مانده از این بانوی اندیشمند، کتاب "اخلاق و راه سعادت" است که ایشان در این کتاب به ترجمه کتاب "طهاره الاعراق" ابن مسکویه پرداخته است. آنچه در تدوین این کتاب چشمگیر است، پابندی به متن و عدم دستبرد به اقوال ابن مسکویه و نگاشتن نظرات شخصی در حاشیه کتاب است که نشان از کمال اخلاق حسنه در شخصیت وی دارد.

کتاب "روش خوشبختی" نیز از دیگر آثاری است که با توجه به ویرانی‌های اخلاقی موجود در رابطه با زن و حجاب او در جامعه نگاشته شده است. علاوه بر اصول اخلاقی مورد نیاز جامعه در رابطه با انسان‌های دیگر، تحصیل اخلاق بندگی از جمله مواردی است که در کتاب "روش خوشبختی" مورد توجه بانو امین قرار گرفته است. وی در این کتاب درباره اهمیت گسترش اخلاق در جامعه می‌نویسد:

«ای خواهران عزیز اگر طالب سعادت و نیک بختی هستید و می‌خواهید از زندگی لذت ببرید و همیشه مسرور و شادمان و موفق و کامیاب باشید و از نعمت بزرگ الهی و حیات خود بهره‌مند گردید، دل و سریره خود را از آرایش به اخلاق زشت و

صفات ناشایست پاک گردانید و حسد، طمع، بخل، خودخواهی، کینه و آرزوهای بیجا و توقعات بی مورد را در خود راه ندهید تا فطرت اولیه‌ای که خداوند در روح شما نهاده، ظاهر گردد.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۳).

بانو امین از شخصیت معنوی والایی برخوردار بودند که برخی از این مراتب حاصل دریافت صفات از والدین و بخش عظیمی مربوط به سیر و سلوک معنوی ایشان بود. بانو امین در رابطه با عنایات خاصه خداوند متعال و تابش محبت الهی در قلب وی چنین می نویسد:

«بعد از گذشتن زمان طفولیت و کودکی، بلکه از اول دوره تمییز، قلبم را متعلق و متوجه به شیء ناشناخته می دیدم و قسم را طالب ادراک و فهم آن می دیدم.» (همان، ۱۳۸۹، نفحات الرحمانیه، ص ۸۷).

فرزند ایشان نقل می کند که به مادر گفتم:

«مادر شما یک زن عالمه، فاضله، موحده هستید، چرا باید اینقدر زجر بکشید؟ ایشان گفتند: صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی. پسر من باید خالص شوم. اینها امتحانات الهی است.» (مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت بانو امین، ص ۲۴-۳۶).

تخلق به صفاتی همچون اعتدال، نظم، عقل گرایی، مهرورزی، خلوص، تواضع و ایمان نشان از همت والای ایشان در راستای خودسازی است.

کتاب "نفحات الرحمانیه" به ذکر حالات معنوی و الهامات درونی این بانوی بزرگوار می پردازد. یکی از ویژگی های بانو امین حس دیگر دوستی بود که باعث شد وی در قبال جامعه احساس مسئولیت داشته، مراحل دستیابی به کمال و طهارت نفس را به دیگران نیز بیاموزد که نگارش کتاب "سیر و سلوک" حاصل این انگیزه الهی در وجود ایشان بود. بانو امین تحصیل علم را مقدمه خود سازی دانسته، می فرمودند:

«ابتدا باید تحصیل علم نمود. تحصیل مقدمه‌ای است برای به دست آوردن نور معرفت و سپس در مقام کسب علم اخلاق و در مقام عمل برآمدن و تزکیه نفس و مبارزه با هواهای نفسانی و تمام صفات ناپسندی که در انسان وجود دارد؛ از قبیل حسد، کبر، طمع، محبت دنیا و دور ساختن اینها از خود و درصدد برآمدن به کسب ایمانی با دلیل، برهان، استدلال و سپس در مقام عمل برآمدن واجبات را ترک محرّمات نمودن.» (باقری بیدهندی، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

اولین گام در پایه گذاری اخلاقیات در جامعه توجه به نوع تغذیه است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ، (بقره (۲): ۱۶۸)؛

ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام‌های (وسوسه انگیز) شیطان، پیروی

نکنید. براستی که او دشمن آشکار شماست.»

بانو امین در تفسیر آیه و ارتباط تغذیه با اخلاق می گوید:

«آنان را از متابعت شیطان نهی می فرماید که در اثر پیروی شهوات و اعمال و اخلاق نکوهیده، طبیعت را تبدیل به خبثت می نماید؛ زیرا همین مأكولات طیب پاکیزه است که جزء طبیعت خبیث آنان گردیده و در پیروی شهوات صرف می نمایند.» (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۸۱).

مرحله بعد شکر نعمات الهی است:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُتُوبَكُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ، (بقره (۲): ۱۷۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید. اگر فقط او را پرستش می کنید.»

البته این شکر مراتبی دارد. مجتهده امین در رابطه شکر و مراتب آن می گوید:

«همان طوری که لازم است انسان به زبان حمد و شکر نماید، پروردگار خود را بایستی با تمام اعضاء و با تمام قوا و جوارح خدمت گزار باشد و این طور سپاسگزاری وقتی انسان را میسر گردد که هر عضوی را بطور مشروع (عباده للحق و انقیادا لامره) نه برای حظوظ نفسانی به آن عملی که موظف به اوست، وادار نماید. اما شکر حالی، متصف شدن روح و قلب به صفات جمیله و کمالات علمی و عملیه و متخلق گردیدن به اخلاق الهیه است؛ زیرا به فرموده پیمبران مردم مأمور و موظفند که به اخلاق الهیه خود را بیاریند، بطوری که اخلاق نیکو ملکه آنها گردد.» (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۴۰).

یکی از نمودهای افزایش شکر در جامعه، گسترش بر و نیکی است:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ، (مجادله (۵۸): ۹)؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه نجوا می کنید، به گناه و ستم و نافرمانی پیامبر نجوا نکنید و نسبت به کار نیک و تقوا نجوا کنید و از خدا پروا کنید که به سویش محشور می شوید.»

«بر، در عرف شرع هر عملی است که نزد شارع مرضی و پسندیده باشد و نیز اسمی است جامع بین تمامی طاعات و محسنات و اعمال خیری که به آن تقرب حاصل آید و بر آن ثواب مترتب گردد. (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۸۷).

تقوا یک حالت و ملکه‌ای است که پس از تزکیه نفس و زینت یافتن آن به زیور اخلاق نیکو برای انسان میسر می‌گردد و از وی تولید می‌گردد، قوه و استعداد خودداری از معاصی و قوه‌ای که مخالفت نفس را بر وی آسان نماید.» (همان، ۱۳۵۷، اربعین الهاشمیه، ص ۳۳۰).

بنا به دیدگاه مجتهده امین، اولین خصلت از خصوصیات بر، تعهد به پیمان است:

«أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ، (بقره (۲): ۱۰۰)؛

و آیا چنین نبود که هربار آنها (یهود) پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی از آنان آن را دور افکندند، حقیقت این است که بیشتر آنها ایمان ندارند.»

وفا نمودن به عهد به تمام اقسام و مواردی که انسان خود را ملتزم به آن گردانیده، از محسنات اخلاقی بشمار می‌رود، چه داخل در عبادات باشد، مثل وفا به نذر، عهد و قسم و چه راجع به معاملات و معاشرت با خلق که از حسن اخلاق حمیده انسانی این است که به کسی قولی داد یا وعده داد به آن عمل نماید و خلاف قول و وعده ننماید. (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۹۲).

بانو امین در سفری به نجف نذر می‌کند، بعد از برآورده شدن حاجتش کتابی در مورد امام علی علیه السلام بنویسد. وقتی حاجتش برآورده می‌شود، به نذر خود عمل کرده، کتاب "مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی" را می‌نویسد. (همان، ۱۳۷۱، مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی، ص ۳-۴).

دوم از خصوصیات بر به فرمایش بانو امین، صبر در ناملايمات و آنچه منافى با طبیعت و موقعیت نفسانی است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، (آل عمران (۳): ۲۰۰)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت کنید و (در برابر دشمنان نیز) پایدار باشید (و دیگران را به صبر دعوت کنید) و از مرزها مراقبت کنید و از خداوند پروا داشته باشید، شاید که رستگار شوید.»

یکی از اساتید بانو امین، مرحوم میر سید علی نجف آبادی نقل کرده است:

«روزی شنیدم فرزند ایشان فوت شده است. فکر کردم خانم دیگر درس را تعطیل خواهد کرد، ولی برعکس دو روز بعد کسی را به سراغم فرستاد که برای تدریس به منزل ایشان بروم و من از این علاقه ایشان به تدریس و تحصیل سخت متعجب شدم.» (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۹، ص ۵۶).

صبر ایشان ناشی از تقوا و قرار گرفتن در زمره محسنین است:

«مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف (۲۰): ۹۰)؛

زیرا که هر کس تقوا و صبر پیشه کند، پس همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند».

وی در رابطه با معیار سنجش ایمان مؤمنان می‌گوید:

«اگر خواهی قوت ایمان و عظمت روح کسی را بدانی، ببین اگر آفات دنیا او را زبون و بیچاره نمود و عنان صبر و بردباری از کف وی ریود، بدان که ضعیف النفس است و اگر دیدی هنگام بلا مثل کوه پابرجا قرار گرفته و بادهای مخالف وی را تکان نمی‌دهد، به وی اطمینان کن و بدان چنان آدمی در امور دین و دنیا حتی در دوستی و رفاقت ثابت قدم و پابرجاست.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۹۵).

توکل (آل عمران (۳): ۱۲۲) و پر هیز از سستی و اندوه (همان: ۱۳۹) از دیگر ویژگی‌های اعضای جامعه ایمانی است که با صبر پیوند عمیقی دارد. این سه ویژگی ناشی از دوستی با اولیاء الله و پیروی حق است؛ (محمد (۴۷): ۳)؛ چنان که بانو امین در این مورد می‌گوید:

«کسی که از دوستان و اولیاء حق شود و رشته ارتباط خود را با او محکم گرداند روح و روانش به نور معرفت حق روشن می‌شود و همه موجودات را مظهر وجود حق می‌بیند و جمال حق را مشاهده می‌کند و همه را دوست می‌داند و هر امری برای او پیش آید با دل و جان می‌پذیرد و آن را قضا و قدر حق می‌داند و از هیچ پیشامدی نگران و افسرده نمی‌شود.» (امین، ۱۳۸۵، اخلاق و راه سعادت، ص ۶۱).

از آن جایی که صبر، توکل و عدم سستی در امور، شاکله افراد جامعه ایمانی است، با تخلق افراد به این امور، نشاط روحی و اهتمام به امور الهی خود را نمایان می‌سازد و جامعه به تکاپو می‌افتد و همه یکدیگر را در ادای فرایض الهی مدد می‌رسانند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال (۸): ۲)؛

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان (از عظمت او) لرزان شود و هرگاه آیات خدا بر آنان تلاوت شود، ایمانشان را می‌افزاید و تنها برپروردگارشان توکل می‌کنند».

افزایش تلاش و تکاپو در جامعه ایمانی و گسترش روابط انسانی در چنین جامعه‌ای باعث می‌شود افراد در قبال یکدیگر احساس مسئولیت کرده، به یکدیگر خیانت نکنند:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، (نساء (۴): ۵۸)؛

همانا خداوند فرمانتان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید».

شاگردان از امانت‌های مهم الهی در دست اساتید هستند. بانو امین در رابطه با این امانات الهی بسیار متعهد بودند. سیره ایشان در رفتار با شاگردان گویای خصلت بارز ایشان در رابطه با شاگردان بود. وی با توجه به مراتب وجودی شاگردانش روش، نوع تدریس، موضوع درس و زمان را مدیریت می‌کرد. وی دروس عقلی، نقلی و معنوی برای گروه‌هایی از شاگردانش داشت و ایشان را بر اساس استحقاق و استعداد گروه‌بندی می‌کرد. در واقع ایشان در کنار تعلیم علوم، به تربیت شاگرد اهتمام می‌ورزیدند تا شاگردان رها نشده و در نهایت به افراد مفیدی در اجتماع تبدیل شوند. (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

کاهش رذائل اخلاقی در جامعه، از دیگر شاخصه‌های جامعه ایمانی است؛ چرا که اصول تمام صفات رذیله، حب نفس و متابعت هوی و شیطان است. کسی که بتواند به مجاهده و مخالفت نفس، عقل خود را بر نفس غالب گرداند، تمام صفات او تحت قاعده اعتدال قرار می‌گیرد و به فساد اخلاق دچار نمی‌شود. (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۹۸).

صفاتی همچون تمسخر، عیب‌جویی، لقب دادن به زشتی، گمان بد، تجسس، غیبت (حجرات (۴۹): ۱۲ و ۱۱). و دیگر رذائل اخلاقی از این جمله‌اند که خداوند در قرآن کریم برای پایداری جامعه ایمانی از آن‌ها نهی کرده است. بانو امین ترک رذائل را منوط به طهارت باطن دانسته در این باره می‌نویسد:

«در طهارت باطن دو وظیفه است: اول، طهارت جوارح از معصیت، چون غیبت و دروغ و حرام خوردن و خیانت کردن و در نامحرم نگرستن، چون این طهارت حاصل گردد، بنده آراسته فرمان برداری و حرمت داری گردد- و این درجه ایمان پارسایان است- نشان وی آنست که همیشه ذکر حق او را بر زبان است- و ثمره وعده در دل و تازگی منت در جان. وظیفه دوم، طهارت دل است از اخلاق ناپسندیده چون عجب و حسد و کبر و ریاء و حرص و عداوت و رعونت، عجب آینه دوستی خراب کند. حسد قیمت مردم ناقص کند. کبر آینه دل تاریک کند. ریاء چشمه طاعت خشک کند. بنده چون از این آرایشها طهارت یافت در شماره متقیان است.» (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۴، ص ۲۷۱).

مقارنت ایمان و عمل و تطابق عمل و گفتار از امور مهمه جامعه ایمانی است. خداوند در قرآن کسانی

را که در گفتار و کردارشان صادق نیستند، مورد مذمت قرار داده و می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، (صف (۶۱): ۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا چیزی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟».

افراد این جامعه فقط به ابراز ایمان به زبان بسنده نمی‌کنند، بلکه در پی اصلاح امور خود و دیگران هم

هستند:

«فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، (انعام (۶): ۴۸)؛

پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین

نمی‌شوند».

بانو امین در رابطه با این ویژگی می‌گوید:

«کمال انسان در دو قوه است: یکی قوه عقل و دیگری قوه تحریک و عمل. اول را حکماء از آن تعبیر به «عقل نظری» می‌کنند و دوم را تعبیر به «عقل عملی» می‌نمایند. عقل نظری، اعمال قوه نظریه در کسب معارف از روی براهین عقلیه است و عقل عملی، عبارت از اخلاق نیکو و اعمال شایسته‌ای است که از روی ایمان صحیح صادر گردد. وقتی این دو توأم گردید، انسان لایق رحمت الهی و انعامات غیر متناهی می‌گردد. اعمال قوه نظریه بدون تحریک قوه عملیه مثمر نمی‌گردد و نتیجه مطلوبی بدست نمی‌آید.» (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱، ص ۱۸۹).

مجتهده امین بسیار اهل عمل بودند و آنچه در کتب خود به آن اشاره می‌کردند، امری بود که ایشان در

زندگی به آن دست یافته بودند. یکی از شاگردان ایشان به نام خانم چوب چینی می‌گوید:

«با رفتن به مکتب فاطمه علیها السلام و آشنایی نزدیک با بانو امین، چنان مجذوب شدم که هر روز بر عشق و علاقه‌ام افزوده می‌شد؛ زیرا چهره منور آن بانوی فاضله چنان در اعماق جانم جاگرفته بود که در خواب و بیداری فقط به او دل داده و از انفاس قدسی و کلام گهربارش رهنمود می‌گرفتم؛ زیرا آنچه می‌گفت از زبان نبود، بلکه از اعماق وجودش تراوش می‌نمود و او تنها عالم نبود اهل عمل بود و از گفتارش بر می‌آید که راه رفته را به دیگران می‌آموزد.» (طیبی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶؛ نامه زهرا چوب چینی).

توصیه‌های این بانوی گرانقدر جلوه عامل بودن ایشان را بیشتر نمایان می‌سازد. وی می‌گوید: «تا با

خودیت و استقلال در خود می‌نگری، به حق آشنا نشوی و تا خود فانی نگردی، به او باقی نباشی و تا هر چه داری از دست ندهی

به حریم قدس پی نبری» (امین، سیر و سلوک، ص ۲۴۲).

وابسته نشدن به مال و اولاد موجب ارتقاء ایمان و گسترش ابعاد اخلاقی در جامعه و خلاف آن موجب خسران ابدی است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، (منافقون (۶۳): ۹)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد و کسانی که چنین کنند، آنان همان زیانکارانند».

بانو امین خطاب به خواهران دینی جامعه در رابطه با دل ندادن به مادیات می‌گوید:

«خوشبختی در زیادی مال و ثروت نیست. خوشبختی در جاه و شهوت نیست. خوشبختی در اسباب تجملات نیست. خوشبختی در مد و لباس شیک نیست. ریشه خوشبختی و بدبختی را در باطن خود پیدا کن.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۱).

خود نیز هرگز به مال و اولاد دل نسپرده، در فراغ عزیزان از دست رفته خود می‌گوید:

«تنها نشسته بودم و با خود می‌گریستم که یکبارہ فرمان خدا و پاسخ حضرت ابراهیم علیه السلام را به یاد آوردم: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، (بقره (۲): ۱۳۱) پس یافتم که بسان خلیل عاشق خدا هستم و قلبم نمی‌بایست جایگاه عزیزی بجز خدا باشد.» (طیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰؛ به نقل از نوشته خانم سهیلا رهگذر).

مجتهده امین علاوه بر توصیه‌های اخلاقی در تخلق به صفات نیکو و ترک رذائل، راه علاج را نیز بیان می‌کند. وی در کتاب روش خوشبختی چنین می‌نگارد:

«اگر دیدی با کسی دشمنی داری و میل داری به وی صدمه بزنی، در عوض به او دوستی و مهربانی نما. اگر در خود نخوت و کبر دیدی به تواضع و افتادگی خود را معالجه کن. اگر از کسی حسد می‌بری و میل داری نعمت از او گرفته شود تا می‌توانی سعی کن نعمت بر وی زیاد شود. اگر بدبینی نفس خود را از فکر بد بگردان و در عوض خوش بینی را شعار خود کن. اگر عصبانی می‌باشی، قبل از غلبه غضب به تلقین به نفس و ملامت، نفس خود را آرام گردان.» (امین، ۱۳۷۱، روش خوشبختی، ص ۹۹).

نقش بانوان عالمه در گسترش اصول اجتماعی جامعه ایمانی

تعظیم شعائر الهی از جمله مهم ترین اصول اجتماعی است:

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَلِّوْا شَعَائِرَ اللَّهِ، (مائده (۵): ۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حرمت شعائر الهی نشکنید».

«شعائر جمع شعیره بمعنی علامت و نشانه است و شعائر الله یعنی چیزهایی که نشانه دین و ایمان به خداست. بنابراین هر چه نشانه و علامت دین و ایمان باشد، جزو شعائر الهی است. مشعر الحرام و تمام مقامات حج، اماکن مشرفه، مجالس موعظه و بیان احکام و فضائل خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، مساجد، اعیاد و سوگواری‌ها همه از شعائر دین است و تعظیم شعائر مذهبی ممدوح، بلکه در بسیار از موارد لازم و نشانه تقوی است.» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۶۴).

چنان چه می‌فرماید:

«وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ، (حج (۲۲): ۳۲)؛

و هر کس شعائر خدا را گرامی بدارد، پس این از تقوای دل‌هاست».

زندگی بانو امین ثابت می‌کند که ایشان در تعظیم و تکریم شعائر الله بسیار کوشا بودند. تأسیس مکتب فاطمه علیها السلام، علم آموزی، تدریس علوم دینی به زنان جامعه، تألیف کتب اخلاقی، دینی، اجتهاد و توان پاسخگویی به سؤالات فقهی، اعتقادی و عرفانی جامعه و موارد متعددی که در زندگی این بانوی نمونه دیده می‌شود؛ گواه این معناست. ایشان در فرازی از بیانات خود، خطاب به بانوان غیر محجبه در مورد اهمیت رعایت شعائر الله می‌گوید:

«ای خانمی که با ادعای مسلمانی کشف حجاب نموده‌ای و با سر برهنه و دست و سینه باز و با این وضعیت شرم-آور علنی در معابر و خیابان‌ها خودآرایی می‌نمایی، آیا فکر می‌کنی که با این عمل که شاید عمل کوچکی پنداری چه لطمه بزرگی به شریعت می‌زنی. ای بانوی اروپائی منش متمدن! این گناه را کوچک مشمار و بدان در بدن حجاب بعینه دریدن ورق قرآن است، اگر واقعاً مسلمانی این طریقت مسلمانی نیست و اگر عقیده به تعلیمات اسلامی نداری، بی‌دینی خود را اعلان کن که عمل قبیح تو باعث جرأت دیگران نشود.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۱۲).

مقاتله و جهاد با کفار برای دستیابی به جامعه ایمانی و ایجاد شرایط برای تعظیم شعائر الهی از مهم ترین

اقدامات مؤمنان است:

«قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ، (توبه (۹): ۱۴)؛

با آنان بجنگید تا خداوند آنان را به دست‌های شما عذاب کند و خوارشان سازد و شما را بر آنان پیروز

کند و دل‌های (پردرد) مؤمنان را تشفی و مرهم نهد».

بانوی ایرانی در تربیت شاگردان که آن‌ها را امانات الهی در نزد خود می‌دانست، بسیار دقت می‌کرد. در

این مسیر به رسم عدالت محوری در جامعه ایمانی طبق آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ، (نساء (۴): ۱۳۵)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره بر پا دارنده‌ی عدالت باشید».

گامی از عدل و عدالت نیز فراتر نمی‌گذاشت. عدالت محوری در سیره ایشان به گونه‌ای بود که وی با توجه به

مراتب وجودی شاگردانش روش، نوع تدریس، موضوع درس و زمان را مدیریت می‌کرد. وی دروس عقلی،

نقلی و معنوی برای گروه‌هایی از شاگردانش داشت و ایشان را بر اساس استحقاق و استعداد گروه‌بندی می‌کرد.

در واقع ایشان در کنار تعلیم علوم، به تربیت شاگرد اهتمام می‌ورزید تا شاگردان رها نشده، در نهایت به افراد

مفیدی در اجتماع تبدیل شوند. (ر.ک: شاکری، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

به این ترتیب هم رسم امانت داری، هم عدالت را در مقابل شاگردان رعایت می‌کرد. وی در تعریف عدالت می-

گوید:

«ملکه عدالت حد وسط بین ظلم و انظلام است. ظلم در طرف افراط عبارت از ستم کردن و تصرف جابرانه نمودن

در مال و عرض مردم. انظلام در تفریط است و آن تمکین نمودن از ظلم و مطالبه حق ننمودن و زیر بار ظلم نرفتن

است. در آیه ۱۹۰ بقره میزان عدالت را مشخص کرده است. خداوند در این آیه اذن داده، اگر کسی بر شما ستم

نمود و بر علیه شما از حقوق شما تجاوز نمود، شما نیز در مقام انتقام، به همان اندازه بر علیه او از حقوق وی

تجاوز نمایید.» (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۹۷).

ایشان در مقابل زورگویی‌های رضا خان ایستاد و دست از اعتقادات خود برنداشت تا مصداق افراد

منظلم در جامعه نباشد. وی با تدوین کتاب "روش خوشبختی" سعی کرد تا جامعه بانوان را نسبت به افکار

پلید رضاخان در واقعه کشف حجاب و حقوق زنان در جامعه آگاه نماید؛ چرا که ایشان به ضمانت آیه:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا، (نساء (۴): ۱۴۱)؛

و خداوند هرگز راهی برای سلطه‌ی کفار بر مسلمانان قرار نداده است».

هیچ منفذ ورود و هیچ محلی برای سلطه کافران بر مسلمانان نمی‌دید.

وی معتقد بود اگر جامعه‌ای تحت سلطه کفار قرار گیرد، توانایی اشاعه فرهنگ دینی را در جامعه از دست خواهد داد. بنابراین با تدوین کتابی به نام "مخزن اللئالی فی مناقب مولی الموالی" در مناقب مولی الموحدين علی علیه السلام به ترویج فرهنگ ولایت مداری در جامعه پرداخت. وی در کتاب خود چنین بیان می‌کند:

«پس از یاس و ناامیدی در دریای فکر فرو رفتیم. ناگاه این حدیث را متذکر گشتم که "ما لا یدرک کله لا یتدرک کله" یعنی نباید انسان چیزی را که برایش مقدور است ترک کند به خاطر چیزی که مقدور نیست. پس گستاخانه متعرض این شدن تا شمه‌ای از فضائل آن حضرت را بیان نمایم شاید بتوانم خود را از دوستان و موالیان حضرتش محسوب نمایم» (امین، ۱۳۷۱، مخزن اللئالی فی مولی الموالی؛ ص ۳-۴).

گفتار بانو، نشان می‌دهد که ایشان با التزام به آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، (مائده (۴): ۱۱)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خداوند را بر خودتان یاد کنید».

ولایت اهل بیت علیهم السلام را به عنوان والاترین نعمت الهی به یاد داشتند. جامعه ایمانی با وجود افرادی مانند بانو امین، پس از گذراندن خفقان‌های پیاپی کم کم حیات تازه‌ای به خود گرفت که آثار آن در انقلاب و بعد از آن با تحقق حکومت دینی نمایان شد.

عفاف و حجاب از دیگر ویژگی‌های جامعه آمیخته با ایمان است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، (نور (۲۴): ۳۱)؛

و به زنان با ایمان بگو: از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گریبان بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر، یا پدر یا پدرشوهر، یا

پسر، یا پسرشوهر (که از همسر دیگر است) یا برادر، یا پسربرادر، یا پسرخواهر، یا زنان (هم‌کیش)، یا آنچه مالک شده‌اند (از کنیز و برده)، یا مردان خدمتکار که تمایل جنسی ندارند، یا کودکانی که (به سن تمییز نرسیده و) بر امور جنسی زنان آگاه نیستند. و پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود. ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و توبه کنید تا رستگار شوید».

بانو امین در روزگاری که جامعه مملو از بی‌حجابی و بدحجابی بود، با تدوین کتاب "روش خوشبختی" نقش مؤثری در ترویج عفاف و حجاب در جامعه ایفا کردند. (شاکری، ۱۳۹۴، ص ۳۳). ایشان در فرازی از این کتاب، به وظایف زن در جامعه، وظیفه زن در مقابل نامحرم و پاسخگویی به سخنان طرفداران کشف حجاب پرداخته است.

تعدی و تجاوز راهی به جامعه ایمانی ندارد و مؤمنان هرگز از حدود الهی تجاوز نمی‌کنند و حلال خدا را حرام نمی‌کنند؛ زیرا خداوند در سوره مائده می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ، (مائده ۴):

؛(۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید و از حد نگذیرید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد».

بانوی ایرانی در کتاب روش خوشبختی، علاوه بر اینکه بانوان را به رعایت عفاف توصیه می‌کند تا گامی در راستای تحقق جامعه دینی بردارد، در عین حال در بخشی از کتاب زنان را به ازدواج و تشکیل خانواده تشویق می‌کند و وظایف زنان را در قبال همسران و بالعکس بیان می‌کند. این روش در تدوین مطالب نشان می‌دهد، هرگز در صدد تعدی از احکام الهی برنیامده، حلال خدا را حرام نمی‌شمارد. تعریف بانو امین از واژه عفت گویای این مدعا است. وی در تعریف عفت می‌نویسد:

«ملکه عفت، حد وسط شره و خمود است. (شره) فرورفتن در شهوات و افراط نمودن در لذائذ جسمانی است؛ به طوری که از حد اعتدال خارج گردد. (خمود) اهمال نمودن قوه شهوانی است، به طوری که قوای شهویه فلج گردد و بدن ضعیف و ناتوان گردد، حد وسط این دو را عفت گویند. (امین، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۹۷).

عفت یک صفت انسانی است که باز می‌دارد انسان را که در لذات طبیعی و حظوظ نفسانی افراط نماید؛ بدون آنکه مانع خارجی از وی جلوگیری نماید. عقیف کسی را گویند که در معاش به اندازه ضرورت، قناعت می‌نماید. خلاصه عفت نیز مثل باقی فضایل نفسانی حد وسط بین دو صفت رذیله واقع گردید؛ در طرف افراط شره، یعنی فرو رفتن در شهوات نفسانی

و در طرف تفریط خمود نفس، یعنی اهمال نمودن قوای طبیعی به طوریکه از حد اعتدال خارج گردد و قوای آن در بدن ضعیف و ناتوان شود و حد وسط بین آن دو را عفت گویند.» (همان، ۱۳۸۵، اخلاق و راه سعادت، ص ۱۹۷).

توصیه ایشان به مردان در قبال همسران عقیفه شاهدهی دیگر بر این مدعاست. وی پس از نقد بانوان بی حجاب، زنان عقیفه را فرشته معنوی در خانه دانسته، خطاب به مردان می نویسد:

«به شما توصیه می نمایم هر یک از شما زنان عقیفه و پرهیز کار دارید از وی بسیار قدردانی کنید و وی را عزیز و محترم بدارید و از هیچ فداکاری درباره وی خودداری نکنید. بدانید که وی یک فرشته معنوی است در منزل شما که سعادت دنیوی رهین اوست. اگر مردها به زن محترم و باتقوای خود به نظر تقدیس و تجلیل نظر نمایند، زن های بی عفت می فهمند که شرافت و فضیلت زن مولود عفت و تقوای وی است.» (همان، ۱۳۸۶، روش خوشبختی، ص ۹۴-۹۶).

جامعه ایمانی، جامعه ای است که در آن احکام شرعی اجرا شده، همگان از آن تبعیت می کنند. خداوند در سوره انعام می فرماید:

«فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ، (انعام (۶): ۱۱۸)؛

پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید)». بانو امین در راستای اجرای احکام شرعی در جامعه، از همان اوان کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در استنباط مسائل شرعی به درجه اجتهاد نائل شد. وی شاگردان بیشماری را نیز در زمینه فقه و احکام تربیت نمود و گام مهمی در دستیابی به اهداف خویش برداشت. در ملاقات آیه الله حائری شیرازی با بانو چنین نقل شده است:

«ملاقات با ایشان را ضروری می دانستم تا شک موجود در ذهنم در مورد صوفیه بودن بانو را زایل کرده و به یقین تبدیل کنم بعد از دیدار فهمیدم که ایشان پایبند به حفظ حدود الهی و مخالف هرگونه سلیقه گرایی و استناد به لا حجت است. ایشان در عین عارف بودن به حجت نیز استناد می کردند و و از محدوده شرع قدمی فراتر نمی گذاشتند. این ملاقات معنوی هرگز از ذهن من پاک نخواهد شد.» (همایونی، ۱۳۸۳، ص ۶۵).

اجرای احکام شرع تأثیر فراوانی بر اقتصاد اسلامی در جامعه ایمانی دارد. رعایت موازین شرعی در معاملات و کسب رزق حلال بر اساس قواعد اقتصاد اسلامی از پایه های استحکام جوامع دینی است:

«فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف (۷): ۸۵)؛

پس پیمانانه و ترازو را (در داد و ستدها) تمام ادا کنید و کالاهای مردم را کم نگذارید و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید. این (رهنمودها) برایتان بهتر است، اگر مؤمن باشید».

پس پیمانانه و ترازو را تمام نهدید، و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است. بانو امین در تفسیر آیه می نویسد:

«اگر شما کیل و وزن را تمام بدهید و وضع جامعه را بهم نزنید، برای اصلاح امر جامعه شما بهتر است؛ زیرا که زندگانی جامعه شما وقتی تأمین میگردد و قابل دوام است که هر یک دست کرد خود را در مقابل دست کرد دیگری مبادله کند و دست خیانت به ممنوع خود دراز نکند و در عمل یکدیگر تأمین پیدا نمایند تا اینکه جامعه شما روی میزان صحیح استوار گردد، شاید قول خداوند متعال «وَأَوْفُوا بِالْقِسْطِ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْمِيزَانَ لَمَّا خُلِقَ كَانَ عَدْلًا قَائِمًا» (میزان و معاشرات به میزان راستی و درستی با هم رفتار کنید و در عمل براه کج و معوج نروید.) (امین، ۱۳۷۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۵، ص ۲۴۴).

شاخصه دیگر اجتماعات دینی آباد کردن مساجد و تعمیر آن به دست مؤمنان است:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه (۹): ۱۸)؛

مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند».

مصادق بارز مسجد، محل عبادت و اقامه نماز است. «مراد از تعمیر مسجد پایه ریزی و ترمیم خرابی‌ها و پاک ساختن و تنظیف آن، و روشن کردن چراغهایش می‌باشد و شامل آباد کردن آن با عبادت و ذکر نیز می‌شود و مقصود از «ذکر» یاد گرفتن و یاد دادن علوم است بلکه این امر، بهترین و مهمترین مصادق ذکر است و آباد کردن مسجد شامل خودداری از سخنان اضافی و بی‌فایده در آنجا نیز می‌شود.» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۲۳).

با این تفاسیر، هر جا که ذکر خدا انجام شود، مصادقی از مساجد الله است؛ بنابراین حوزه‌های علمیه و کانون‌های دینی که به تعلیم و تربیت دینی افراد می‌پردازند و ذکر خداوند مدام در آن‌ها جاری است، از مصادیق مساجد الله محسوب می‌شوند. تأسیس مکتب فاطمه علیها السلام حرکتی علمی و فرهنگی در جامعه زنان بود که توسط بانو امین انجام شد. (یادنامه بانو امین، ص ۳۵).

تأسیس این نهاد و ایجاد زمینه‌ای برای تشکیل محافلی برای قرائت قرآن از جمله اقدامات این بانوی فرهیخته بود که حاکی از پابندی ایشان به اوامر الهی است:

«وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا، (اسراء: ۱۷): ۴۵»؛

و هرگاه قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به قیامت ایمان ندارند، حجابی ناپیدا (و معنوی) قرار می‌دهیم (تا از درک معارف حق محروم بمانند).

ایشان در سن ۶۱ سالگی به تدوین تفسیر "مخزن العرفان" می‌پردازد تا در سایه تفسیر، نور قرآن را در دل‌ها روشن نماید و فرهنگ انس با قرآن و قرآن پژوهی را بعد از وفات خویش نیز ادامه دهد.

گفت و گو بر پایه جدال احسن از دیگر ویژگی‌های جامعه قرآنی است:

«وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، (عنکبوت: ۲۹): ۴۶»؛

و با اهل کتاب جز با بهترین شیوه مجادله نکنید.

زندگی مجتهده امین سرشار از ملاقات‌ها و مکاتبات با سایر علما بود. بزرگانی همچون علامه امینی، رحیم ارباب، شهاب الدین مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، محمدتقی جعفری، هاشم حداد، مرتضی مطهری با ایشان گفت و گو داشته، سؤالات خود را با ایشان مطرح می‌کردند.

کتاب "جامع الشتات" مشتمل بر پرسش‌های متعددی است که اساتیدی همچون محمد علی قاضی طباطبایی، شیخ محمد طه هنداوی نجفی زاده، سید حسن حسینی و ... از ایشان پرسیده‌اند و پاسخ‌هایی که این عالمه برای آن‌ها تحریر کرده است. (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۷۹، ص ۵۷) شهید مطهری می‌گوید:

«از بانو امین سؤالی کردم و وقتی او شروع به پاسخگویی کرد، دیدم که من باید دست و پای خود را جمع کنم.»

(همایونی، ۱۳۸۳، ص ۶۲).

گسترش اخوت و برادری از مهم‌ترین اقدامات در شکل‌گیری جامعه ایمانی است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ، (حُجَرَات: ۴۹): ۱۰»؛

همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس میان برادران خود، (در صورت اختلاف و نزاع) صلح و آشتی برقرار کنید و از خدا پروا کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

اتحاد و برادری در جامعه دینی به استحکام پایه‌های دین در جامعه کمک می‌کند و زمینه اجرایشان احکام و حدود الهی را فراهم می‌آورد. بانوی ایرانی در رابطه با وظیفه انسان در رابطه با هموعان و برادران دینی می‌نویسد:

«مردم مدنی بالطبع هستند، یعنی در ترتیب معاش بعضی محتاج به بعضی دیگرند. کمال و تمامیت هر فردی از بشر منوط به فرد دیگری است که در امور زندگانی خود به ناچار هر یک بایستی دیگری را کمک نماید. احدی نمی‌تواند به تنهایی امور معاش خود را اداره نماید؛ زیرا بشر منظر به نفس و منظر به مکمل است. پس احتیاج می‌افتد به چیزی که آن‌ها را با سلم مرتبط گرداند و نفاق را از بین ببرد که آن محبت است و به دوستی اتحاد و یگانگی پدیدار می‌گردد و اختلاف بدل به اتفاق می‌شود و نقصانات را مرتفع می‌نماید و جماعت بسیار را به منزله یک شخص واحد می‌گرداند.» (امین، ۱۳۸۵، اخلاق و راه سعادت، ص ۱۲۱).

نماز جمعه به عنوان یکی از شعائر الهی نقش مهمی در گسترش روحیه برادری در جامعه دارد؛ به همین دلیل خداوند در سوره جمعه خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ، (جمعه (۶۲): ۹)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر است».

در جامعه ایمانی با ایجاد اتحاد و محبت میان برادران دینی، زمینه نشر و گسترش دین و ایمان در جامعه میسرتر خواهد بود. در این جامعه است که افراد با یکدیگر برای نصرت الهی متفق می‌شوند و از یاری الهی بهره‌مند می‌شوند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ، (محمد (۴۷): ۷)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد».

بانو امین به اخوت و برادری در جامعه بسیار قائل بودند و در مسیر زندگی، تعامل با اساتید و شاگردان را در رأس امور مهمه خویش قرار دادند. اقدام ایشان برای تأسیس مدارس دینی و یاری طلبیدن از شاگردان در

اداره امور مکتب فاطمه علیها السلام و مکتب دیگری که توسط ایشان در نجف آباد اصفهان تأسیس شد؛ از جمله مواردی است که در حیات ایشان به چشم می خورد.

مدیریت مکتب فاطمه علیها السلام به دست بانو علویه همایونی از شاگردان خاص ایشان بود. ایشان قانونی در این مکتب بنا نهاده بودند که شاگردان پس از آموزش ملزم به تدریس در همان مکتب بودند. همین حس اتحاد و گرایش به روحیه اخوت بود که باعث شد، در مکتب بانو امین در آن شرایط پر از خفقان حدود ششصد تا هزار طلبه پرورش پیدا کنند و هر کدام جداگانه به نوعی زمینه گسترش فرهنگ دینی را در جامعه فراهم آورند.

نتیجه

بررسی زندگانی بانو امین نشان داد بانوان عالمه با توجه به علومی که فرا گرفته اند بویژه علوم دینی، تأثیر بسزایی در شکل گیری جامعه ایمانی دارند. جامعه ایمانی دارای اصولی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. این اصول در سه حیطه اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی قابل جمع است که فعالیت بانو امین به عنوان نمونه ای از زنان عالمه در گسترش این اصول در جامعه و در نهایت پایه ریزی جامعه ایمانی بسیار مؤثر بوده است. تأسیس مکتب فاطمه علیها السلام، در اصفهان، تأسیس حوزه علمیه در نجف آباد، تأسیس دبیرستان دخترانه امین؛ تدوین کتب متعددی در زمینه اعتقادات، اخلاق، تهذیب و عرفان و تفسیر؛ تدریس علومی همچون فقه، احکام، اخلاق، ادبیات عرب، تفسیر و قرآن، تعلیم و تربیت حدود ۱۰۰۰ شاگرد در مباحث علوم دینی؛ فعالیت در مبارزات سیاسی با رضاخان در راستای مخالفت با کشف حجاب؛ اشاعه اصول دین همچون توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت و اجرای فروع دین در سیره شخصی و جامعه از جمله اقدامات بانو امین بود که هر کدام به نوعی در گسترش ایمان در جامعه مؤثر بودند.

عوامل فراوانی در موفقیت ایشان در دستیابی به اهداف خویش در راستای اصلاح جامعه، دخیل بود. یکی از عوامل موفقیت، خودسازی و مقام معنوی و عرفان بالای ایشان بود که در کتاب نفحات الرحمانیه به این حالات روحی اشاره شده است. البته بانو امین این حالات را مدیون علم می داند و کسب علم را مقدمه خودسازی معرفی می کند. وی بسیار مؤدب به فضائل اخلاقی بودند و از آثار ایشان همچون روش خوشبختی، اخلاق یا راه سعادت، مخزن العرفان، سیر و سلوک مشخص است که دغدغه ایشان اصلاح اخلاقی جامعه است و این امر موجب نفوذ کلام ایشان در جامعه بود. عامل دیگر صبر فوق العاده ایشان بود که حتی پس از فوت اکثر فرزندان دست از تلاش و فعالیت برنداشته، به تحصیل و تدریس علوم دینی ادامه دادند. حمایت همسر و خانواده از ایشان و فراهم آوردن لوازم، در اختیار گذاشتن

اموالی برای ادامه فعالیت از دیگر عوامل موفقیت ایشان بود. نکته مهم دیگر اصالت خانوادگی و ارتزاق ایشان از مال حلال بود که مهم عامل پیشرفت و تأثیر گذاری ایشان در جامعه بود. ولایت مداری و عامل بودن به گفته‌ها از ویژگی‌های بارز ایشان است که مسیر زندگی را برای ایشان هموار می‌ساخت. ولی مهم‌ترین عامل، تجلی صفات مؤمنان در قول، رفتار، منش و سیره ایشان بر اساس آیات الهی بود.

منابع

قرآن کریم.

۱. امین، نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، اصفهان، انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲. ----- ، مخزن اللثالی فی مولی الموالی، اصفهان، انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان، ۱۳۷۱ ه.ش.
۳. ----- ، نفحات الرحمانیه فی الورداء القلیبیه، چاپ سوم، اصفهان، گلپهار، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴. ----- ، اخلاق و راه سعادت، چاپ دوم، اصفهان، گلپهار، ۱۳۸۵ ه.ش.
۵. ----- ، اربعین الهاشمیه فی شرح جمله من الاحادیث الورداء فی العلوم الدینیة، دمشق، دارالفکر، ۱۳۵۷ ه.ش.
۶. ----- ، روش خوشبختی توصیه به خواهران ایمانی، اصفهان، کانون تبلیغات رشاد، ۱۳۸۶ ه.ش.
۷. ----- ، سیر و سلوک در روش اولیاء و طریق سیر سعداء، چاپ دوم، اصفهان، گنبد فیروزه‌ای، ۱۳۸۷ ه.ش.
۸. ----- ، معاد یا آخرین سیر بشر، چاپ دوم، اصفهان، گنبد فیروزه‌ای، ۱۳۸۷ ه.ش.
۹. باقری بید هندی، ناصر، بانوی نمونه جلوه‌هایی از حیات بانوی مجتهده امین اصفهانی، چاپ چهارم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۰. جمعی از محققان، فریده عصر بررسی علمی و عملی عالمه عارفه بانو مجتهده امین، چاپ اول، تهران، هستی نما، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۱. طیبی، ناهید، زندگانی بانو امین، زیر نظر علویه همایونی، چاپ اول، قم، انتشارات امیر، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۲. شاکری، مائده، بانوی فرزاندگی و فضیلت، چاپ اول، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴ ه.ش.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، جمعی از مترجمان، چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۴. طیب، سید عبدالحسین، اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر اسلام، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۷. مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت بانوی مجتهده نصرت امین، به کوشش مینا خواجه نوری، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ ه.ش.
۱۸. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، بانوان عالمه و آثار آنها، چاپ اول، قم، معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۹. وزارت فرهنگ و ارشاد، یادنامه بانوی مجتهده نصرت امین، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲۰. همایونی، علویه، بانوی ایرانی، چاپ دوم، اصفهان، گلبهار، ۱۳۸۳ ه.ش.